

ترنم دل

www.ketab.ir

سروده ی :

احمد مدرّس زاده

۱۳۹۵

سرشناسنامه	مدرس زاده، احمد، ۱۳۱۲ -
عنوان و نام پدیدآور	ترنم دل / سروده احمد مدرس زاده.
مشخصات نشر	تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۰۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۰۴-۸۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
موضوع	شعر فارسیک قرن ۱۴
موضوع	Persian Poetry ۱۴ th Century
شناسه افزوده	دانشگاه تبریز
شناسه افزوده	University Of Tabriz
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ ت ۴۴۱۳ / ۵۸۳۶۱ PIR
رده بندی دیویی	۸۱۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۱۰۲۴۸



دانشگاه تبریز

ترنم دل

سروده‌ای:	احمد مدرس زاده
ناشر و فروست:	انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۶۹۶
تاریخ و نوبت چاپ:	۱۳۹۵ - اول
شمارگان:	۱۵۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۰۴-۸۳-۲
قیمت:	۸۰۰۰۰/- ریال
لینوگرافی، چاپ و صحافی:	انتشارات دانشگاه تبریز

این اثر مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - دانشگاه تبریز - تلفن: ۳۳۹۲۶۶۹ نمابر: ۳۳۴۲۵۶۲

۱۲	پیشگفتار
۱۳	مقدمه حسین مدرس زاده
۱۶	پرچم ایران ما
۱۷	سوز عشق
۱۸	حدیث
۱۹	اسیر عشق
۲۰	اشتیاق دیدار
۲۱	غزال رعنا
۲۲	نثار هستی
۲۳	جفای دوست
۲۴	بهار در بهار
۲۵	دکترعلی اصغر شعر دوست
۲۶	درد هجران
۲۷	دل سوخته
۲۸	شهر من تبریز
۲۹	سالوس
۳۰	در مذمت تیمور لنگ
۳۱	گذر عمر
۳۲	مظهر سرو و زیبایی

۳۳	 بهار و نگار
۳۴	 والاترین درگاه
۳۵	 صوت دلنواز
۳۶	 ناصح مزور
۳۷	 دخیل عشق
۳۸	 صفای دل دوست
۳۹	 در فراق دوست
۴۰	 قهر فرزند و آتش دل مادر
۴۲	 بزرگداشت شهریار
۴۴	 شهریار حی لایموت
۴۵	 سئیل مهر
۴۶	 عشق و محبت بی بدیل مادر
۴۷	 حسرت دلداده
۴۸	 ناامیدی از طالع نیک
۴۹	 گرفتار نگار
۵۰	 من در پیاله عکس رخ یار دیده ام
۵۲	 باس باغرووا هرکس ده صداقت تاپیلاندا
۵۴	 انتحار دل
۵۵	 غلام در گهم ای حافظ
۵۶	 دهر دنی
۵۸	 روی دل آرا

۵۹	 خاطرات شیراز
۶۲	 دختر ترسا
۶۳	 ناکامی فرهاد
۶۴	 کاسکو طوطی سخنگوی
۶۵	 امام حسین
۶۷	 منظومه موشح
۶۹	 سفرنامه منظم
۷۲	 منقدا بی مایه
۷۳	 هر کس بمید
۷۵	 ارتحال مادر عزیز
۷۶	 به همسر پاکدل و فاضله و فداکارم
۷۸	 عروس با وفایم مریم عزیز
۷۹	 به نور چشمی حسین جانم
۸۱	 مادر
۸۲	 شهردار محترم دکتر نوین
۸۳	 در آستانه ی عید سعید نوروز
۸۴	 منزلت دوست
۸۵	 درس محبت
۸۶	 شمس الدین مرد حکیم ، مفخر آفاق
۸۷	 تبریک عید ، دختر ترسا ، درد دل کارمند ، وله ایضا ، برای سنگ مزارم
۸۸	 وقایع عاشورای حسینی
۸۹	 شرح شخصیت مولانا
۹۲	 وخامت اوضاع اواخر رژیم منحوس ستم شاهی

پیش گفتار

باسلام و درود به خاتم الانبیاء والمرسلین حضرت محمد بن عبدالله صلوات الله علیه وآله الطیبین الطاهرین انتخاب کلمات وقوافی واصولاً به نظم کشیدن کلمات ومضامین مستلزم داشتن اطلاعات وسیع وعمیق وتحقیق وتتبّع از آثار بزرگان ادب پارسی است .

بسیاری از آثار معاصرین و پیشینیان چکیده ای از افکار و عقاید و کشفیات ونظریات ارزنده و گرانبهای دانشمندان پژوهشگر و صاحب نظران بزرگی است که بشر جهت ادامه صحیح حیات خود به مطالعه وآگاهی از محتوای آنها ناگزیر است و باید آنها را گنجینه های علم ودانش برای هدایت و راهگشایی به اصول و تمدن های جوامع بشری دانست .

هر کس می تواند بانوشتن چندین صفحه از منویات خود به هم نوعان خویش خدمتی انجام داده باشد و شاید هم علم و ادب و فن و کس را رونقی به سزا بخشد کما این که آثار عده ای پس از مرگ شان بعد از قرن ها به ساحت دنیای علم و ادب و فرهنگشان می کند .

سعدی آن نوری که بعد از قرن ها تابید هم بر مزار قوم لوط و مرقد عاد و ثمود مطالعه کتاب حاضر ممکن است بر مزاج عده ای علاقمند ولی کم حوصله مناسب و سازگار نبوده و بایر ای بعضی ها بصورت مرور عادت فطری و بی فکر و بیگاری بوده باشد ، لیکن آسمان وسیع ادب پارسی همیشه به روشنایی و حتی به نور ضعیف یک شمع کوچک نیز نیازمند است .

بدیهی است این کوشش ها و نتیجه گیری از آنها بسته به حدیث و تشویق و قدردانی دستگاه های مسئول و دست اندرکاران و بزرگان بوده و پاداش بزرگ در مقابل کارهای کوچک میسر است که شکوفایی استعداد های سترگ و خارق العاده را بویژه در شعرا ، نویسندگان و هنرمندان بوجود می آورد و بارور می سازد و در حقیقت این خودنیز پاسداری از درخت ریشه دار چندین ساله ی شعر و ادب پارسی است و هم چنین کسانی که الفاظی را به نام شعر به پای این درخت ثمرین و کهن سال ریخته و تیشه به ریشه آن می زنند .

مجموعه پیش رو تحفه ای ست که در حد استعداد ضعیف شخصی سروده شده و به علاقمندان شعر و ادب تقدیم می گردد . ژرف نگری و اظهار نظر در هریک از قصاید و غزلیات و یادآوری ایرادات و اشتباهات بهترین و ارزنده ترین پاداش برای مؤلف است .

احمد مدرّس زاده

۱۳۹۳



مقدمه

شیخ عبدالرحمن جامی فرماید :

یادگاری در این رباط کهن
یادگاری کز آدمی زاد است
بنگرا هر چه آفریده خدای
تا از او جز سخن چه مانده به جای

حقیقت این است که شعر دوستی و آمیزش روح با کلام منظوم در صیغه ی ذهن ما ایرانیان حک شده و در خلوت و جلوه خورشید بابر که های موزون از هر عنصر دیگری بیشتر و سترگ تر مانوسیم همه ی مادر حزن و اندوه و اشک های خورشید بصورتی کاملاً ناخودآگاه به سمت و سوی شعر (طبقات ادب دوست خاصاً) و یا حداقل به جانب کیوان حافظ (طبقات معمولی عاماً) پناه برده ایم و دست در دامنش آویخته ایم در اتمسفر معرفتی ما هیچ غالباً جاری و ساری است همانا صیقل سראقات نفحات معمولی وجد و جهد برای سفتن آنها جهت اتمال بدست های نابی است که انسان شرقی بدانها می نازد و می بالد، آنچه مادر ذهن خودمان از کلمه ی شاعر (تدلای می کنیم ، فرد فریدی است که توان خداداد پیکر تراشی حالات معرفتی خود را در حدی متوسط به بالا دارا است هر چند هر شاعری با گذر زمان پخته و پخته ترمی شود حتی با فرض اینکه عصاره ی شاعرانگی را در قرار مکی (رحم مادر) به او نوشانده باشند و یا با شیر مادر به جانش اندرون گردیده باشد که این خود همانا فصل ممیزی میان شاعر سره و ناسره می باشد .

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری فرماید :

دوق اگر باشیر مادر باشدت شعر شیرین تر ز شکر بایدت

ور نداری و تکلف می کنی هم تو خود ، خودرا تعرف می کنی

مجموعه ی پیش روی ماحصل تفکرات شاعرانگی شاعری است که مصداق کلام شیخ نیشابور است وهریک از گلبزرگ های منظوم دفترش شمیم خاص خودرا دارد ودرپاره ای از ابیات چون مصداق زیر تشنگی مخاطب خود را برطرف می سازد .

کفران نعمت تو دلا کار نده نیست برمن ز لطف گوشه ی چشمی کفایت است

ز شرم وان شود غنچه پیش روی جهت چه لعبتی تو دلا الا اله الا

مکن آزرده به غم مرغ دل از خال لب دل سرا پرده ی عشق است چه می پنداری

فرستی کو که دل ودیده به دریا فکنم من که از آتش تزویر وریا در جوشم

قلب سراینده تنگ است برای لحظه ای سبز شدن لبخند آسمان ، نبض ستاره ، شب های

شکستن ، کوچه ی بی انتها ، همسایگی عشق وهر آن لحظه ای که شایسته تر از صاحب

این قلم بر آنها وقوف دارید . اوفاضلی است که مارابه میهمانی شایسته ی ادب خویش صلا زده

وشعاع خطه ی نور سرایش خود را بر سرزمین دلمان تابانده تحفه ای دردست داریم که نفس باطن ما

در مهتاب دلش نمایان و نگاه کش دارمان با خطی سرخ همراه سلامی خیس در قاب آن منعکس

شده است .

تحول اندیشه در تک تک ابیات شاعر وضعیت حالات شخصی او را در عریانیتی محض به منصه ی

ظهور می رساند ورگه های اندیشه رندانه او را که به حق از سلف خویش (بلبل شیراز) میراث داری

نموده در کنار اندیشه ای غریب اما همه فهم قراردادده است . اشعاری که مخاطب خود را به

سفر خواب گونه شیرینی در برابر طوفان روزگار دعوت نموده و کویر روزمرگی یخ زده را برای زمانی هر چند قلیل تبدیل به نوشخندی هوش ربامی کند. آری شعر آنست که دوره ی بهاران را جایگزین سوزمستان سازد و پاییز یأس را مبدل به ربیع عیش گرداند و گرداب یم طوفان زندگی را به ترانه ی آونگ گرمی ابریشمین استحاله دهد و شاعر حقیقی آنست که دل اوداغدار همیشگی لاله دل های مخاطبان شعر خود باشد و هر آن بذر امید را در نوبهار دل های بی قرار بکارد و روح خود را با جدی بلیغ، مدتس، آرام و باوقار نگاه دارد و فتنه ی گرد و غبار زمان را با آب دیده از سرزمین باطن دور سازد و مشمول رقعات فرزانه ی گنجه جناب نظامی گردد که می فرماید :

پیش و پس ساختن صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا

این دو نظر محرم یک دوستم این دو جو مغز آن همه چون پوست اند

حالتی بدو دست دهد که چون خوابه ی راز فرماید :

صبحدم از عرش می آمد و خروشی مثل گنج قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنند

بدرنازینیم ، چاپ کتاب شعر جدیدت که سعدی، فریدتی و وحیدی را یک جا شامل است و مایه ی

نازیدن ادب دوستان زمان ، از ژرفای قلبم تبریک گفته در دستان مهربانت را می بوسم .

والصلاة علی رسول الله وعلی اهل بیت الطّٰهین الطّٰهیرین

حسین مدرّس زاده

۱۳۹۴/۱۲/۱۲